



پیامدهای تَمَرّد از دستورات الهی / چگونه یک نفر مصداق صُم بُکْمْ عُمِيْ فُهْمْ لَا يَعْقِلُوْنَ می شود

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه اگر کسی عمداً گوش به دستورات الهی نداد و سراغ شیطنیت شیاطین حرکت کرد، از آن به بعد است...

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه اگر کسی عمداً گوش به دستورات الهی نداد و سراغ شیطنیت شیاطین حرکت کرد، از آن به بعد است که خدای سبحان توفیق فهمیدن آیات را از او می‌گیرد، تأکید کرد: خدای سبحان هرگز ابتدائاً کسی را کور و کر نمی‌کند؛ ولی اگر کسی خود را کور و کر کرد (به سوء اختیار خودش)، دیگر از توفیق الهی محروم است.

تمثیل قرآن درباره پیامبران و کافران

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 170 سوره بقره فرمود: وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَّعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ به تمثیل قرآن درباره پیامبران و کافران اشاره کرد و گفت: فرمود این گروه که مقلد کوری‌اند نسبت به نیاکان گذشته جریان اینها مثل جریان اغنام و احشام است که اغنام و احشام حرف چوپان را که آنها را به حق هدایت می‌کند نمی‌فهمند (فقط صدا را می‌شنوند). اگر یک رمه گوسفندی باشند و یک شبانی داشته باشند که این شبان آنها را راهنمایی می‌کند که کجا آب است و کجا چاه و خطر، کجا راه است و کجا پرتگاه، اینها حرف آن چوپان را نمی‌فهمند فقط صدا را می‌شنوند (هیچ درکی ندارند). فرمود انبیا به منزله راعیان این افرادند و اینها را هدایت می‌کنند، آنها که می‌شنوند و واقعاً انسان‌اند خب خطاب یا أَيُّهَا النَّاسُ است و خطاب یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا است و امثال ذلك، آنها که کالأنعام بل هم أضلّ اند آنها کسانی‌اند که فقط صوت انبیا را می‌شنوند اصلاً گوش نمی‌دهند ببینند انبیا چه می‌گویند، چون آنچه که باید بپذیرند آن را به وسیله سنت باطل نیاکانشان پذیرفتند، لذا صریحاً می‌گویند: سَوَاءٌ عَلَيْنَا أُوْعِظَتْ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَاعِظِينَ ؛ حرف در ما اثر نمی‌کند.

وی افزود: خدای سبحان می‌فرماید که اینها مثل آن رمه‌ای‌اند که حرف شبانشان را نمی‌فهمند و سرانجام سقوط می‌کنند. آن شبان با چوب‌دستی بالأخره باید اینها را به راه بیاورد؛ نه با حرف، نه با هدایت فرمود: وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَّعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ یعنی مثل پیامبری که کافران را به حق دعوت می‌کند مثل آن شبانی است که رمه را دعوت می‌کند. خب رمه که نمی‌فهمد، یک چوب‌دستی لازم است که اینها را با چوب منجر کنند. این همان بیان حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه است که فرمود اگر حرف و برهان در شما اثر نکرد «بالکی» یعنی با داغ‌کردن علاج می‌کنیم. اینکه خدای سبحان فرمود: حَذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ این راجع به مؤمنین است، حالا اگر نشد و این خطاب اَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ اثر نکرد، روزی می‌رسد که اینها را «کی» و داغ می‌کنند: فَتَكُونُ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُثُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ؛ روزی فرا می‌رسد که اینهایی که حقوق الهی را پرداخت نکردند (اینها) را با همان مال داغ می‌کنند. پس پیامبر به منزله راعی و شبان است، این مردم به منزله رمه‌اند که حرف شبان را نمی‌فهمند، ولی افراد آگاه به عنوان مؤمنین خطاب می‌شوند، به عنوان اولوالالباب ستایش می‌شوند، به عنوان ناس مطرح‌اند و مانند آن.

خداوند همه را با سرمایه فطرت آفرید

صاحب تفسیر تسنیم در ادامه تأکید کرد: ... این کفار که حرف ناعق و حرف راعی خود را نمی‌شنوند، در حقیقت: صُمُّ بُكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ [و] چون عاقل نیستند مقلد کسانی‌اند که لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ. شما می‌بینید در [بین] این گوسفندها در این رمه‌ها یک کاری که یک گوسفند کرد دیگران هم می‌کنند؛ از یک نهر کوتاهی که پرید دیگران هم می‌پرند بدون اینکه بفهمند آن چرا پرید، آیا درست رفت یا نه، اگر خطر است برای همه است و اگر جای خوبی هم بود برای همه است. این دنباله‌روها عادتشان تقلید است چون تحقیق ندارند، نمی‌دانند که چرا او از این راه رفته است، لذا فرمود: صُمُّ بُكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ. اگر عاقل بودند از کسی تقلید می‌کردند که عاقل و مهتدی باشد و چون عاقل نیستند از کسانی تقلید می‌کنند که لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ. انشوائی و نابینایی کیفری

وی با تأکید بر اینکه هر انسانی را خدای سبحان با سرمایه فطرت الهی آفریده است، افزود: ... اگر کسی این فطرت را شکوفا کرد که از عقل و وحی بهتر مدد می‌گیرد و اگر کسی این فطرت را دفن کرده است که قَدْ خَابَ مَن دَسَّاهُ آن وقت از وحی استفاده نمی‌کند. نه اینکه خدای سبحان کسی را صم و بکم آفریده باشد، خدای سبحان همه را با فطرت آفرید، همه را با هوش خلق کرد، هیچ کسی را بدون پذیرش توحید نیافرید؛ استعدادها البته یکسان نیست ولی آن نصاب معین که برای تکلیف لازم است به همه داد؛ فرمود: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ پس همه را با این سرمایه آفرید.

سلب توفیق فهم معارف الهی؛ پیامد تَمَرّد از دستورات الهی

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 170 بقره تصریح کرد: اگر کسی عمداً گوش به دستورات الهی نداد و سراغ شیطنیت شیاطین حرکت کرد، از آن به بعد است که خدای سبحان می‌فرماید: فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ یا سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي

الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ فرمود: از آن به بعد ما توفیق فهمیدن آیات را از این می‌گیریم. اگر ما چندین بار به وسیله عقل و وحی او را هدایت کردیم او بی‌اعتنایی کرد، مهلت دادیم او تمرد کرد، راه توبه و انابه را باز کردیم او طغیان کرد، از آن به بعد دیگر توفیق فهم را می‌گیریم (این نعمت را به او نمی‌دهیم) او را به حال خودش رها می‌کنیم. فرمود: سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ؛ من نمی‌گذارم که آنها به سراغ معارف اسلامی حرکت کنند (آن توفیق را می‌گیرم) اینها را به حال خودشان رها می‌کنم. اگر در سوره «صف» فرمود: فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ این نشان می‌دهد که هرگز خدای سبحان بدئا و ابتداء قلب کسی را مهر نمی‌کند و چشم و گوش دل کسی را نابینا نمی‌کند. آیه هفتم و همچنین آیه هجدهم سوره مبارکه «بقره» که بحثش قبلاً گذشت [به ترتیب] این بود که حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ و اینکه فرمود: صُمُّ بَكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ یعنی آن چنان کر و کورند که اصلاً برنمی‌گردند به جایگاه اصلی‌شان. پس خدای سبحان هرگز ابتداء کسی را کور و کر نمی‌کند؛ ولی اگر کسی خود را کور و کر کرد (به سوء اختیار خودش)، دیگر از توفیق الهی محروم است، لذا فرمود: صُمُّ بَكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ.

وی خاطر نشان کرد: در موارد دیگر فرمود: إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ فرمود که رسول من تو مرده‌ها را اسماع نمی‌کنی؛ کرها را هم اسماع نمی‌کنی - خب رسول خدا که در قبرستان بقیع منبر نمی‌گذاشت سخنرانی کند و برای مرده‌ها حرف بزند! - فرمود اینهایی که هستند دو قسم‌اند: عده‌ای زنده‌اند؛ عده‌ای مرده، آنهایی که واقعاً مرده‌اند تو توان آن را نداری که اسماع کنی حرف را به دل آنها برسانی، برای اینکه بین حرف تو و دل آنها یک غلاف سنگینی و یک قشر عظیمی است، آنها در آن غار دفن شده‌اند: جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً ما «کنان» قرار دادیم، ما آنجا را غار قرار دادیم و اینها در غار دفن‌اند، چگونه حرف تو را می‌فهمند؟ آنها گفتند که قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ، خدای سبحان فرمود که ما چندین بار مهلت دادیم بعد دیدیم که هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند و هیچ بهره‌ای نمی‌برند، اینها را در آن غار دفن کردیم. یک مقدار از اینها در سوره مبارکه «اسراء» است که وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا، یک مقدار هم در سوره «فصلت» هست که ما یک حجابی برای اینها قرار دادیم و حرفهای تو در اینها اثر نمی‌کند؛ آیه پنجم سوره «فصلت» این است که وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَاغْمَلْ إِنَّا نَحْمِلُونَ غَمْلًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَاغْمَلْ إِنَّا نَحْمِلُونَ غَمْلًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا...

محجوب بودن گناهکار درحجاب مستور گناه

این مدرس عالی حوزه علمیه یادآور شد: فرمود: حجاب دو قسم است. یک حجاب جسمانی و حسّی است که این حجاب محسوس است مثل اینکه دیوار یا در و پرده حجاب‌اند (این حجاب محسوس است)؛ یک حجابی است مستور که این حجاب را نمی‌شود دید مثل اینکه گناه حجاب است. خب گناهکار محجوب است، واقعاً در حجاب است و نمی‌بیند. و اما اینکه گناه چگونه حجاب است، انسان ببیند که گناه حجاب است این‌چنین نیست، باید بفهمد که گناه حجاب است، وگرنه احتجاب به گناه را نمی‌شود دید، چون این حجاب مستور است. در این دعای شریف ابوحمزه ثمالی آمده، که «انك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال السيئة دونك»؛ در این دعاها عرض می‌کنیم خدایا تو محجوب نیستی عمل حاجب است (این عمل نمی‌گذارد ما تو را ببینیم). خب گناه حاجب است و اما حاجب‌بودن گناه مستور است، خود این حاجب، حاجب غیبی است. حاجب دو قسم است: یا محسوس یا مستور. فرمود ما حجاب مستور قرار می‌دهیم و واقعاً آنها در حجاب‌اند. فرمود که ما آنها را در اکتی قرار می‌دهیم و واقعاً اینها محجوب‌اند و نمی‌فهمند؛ اما این به عنوان کیفر است، بعد از مهلت‌دادنهای چندین‌باره است و از این جهت فرمود: صُمُّ بَكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ...